

کارگران نساجی کردستان و ضرورت درهم شکستن بن بست مبارزه

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

شنبه شانزدهم شهریور ۱۳۸۷

کارخانه نساجی کردستان واقع در سنندج عملاً تعطیل شده است. این کارخانه از روزهای قیام بهمن ۵۷ تا زمان تعطیل در مالکیت نهاد دولتی یا در واقع تراست عظیم مالی و صنعتی موسوم به « بنیاد مستضعفان » قرار داشت و تا چند سال پیش بیش از ۷۵۰ کارگر را در بدترین و سخت ترین شرایط کاری استثمار می کرد. در سال های اخیر همراه با موج تهاجم سرمایه برای پالایش حوزه های کم سودتر و تمرکز هرچه گسترده تر در قلمروهای دارای نرخ سودهای بالاتر، این کارخانه نیز همچون سایر واحدهای بزرگ و کوچک نساجی دستخوش تغییر و تحولات جدی شد. با وجود اعتصاب دلاورانه ۵۸ روزه کارگران در چند سال پیش که دولت و کارفرما را موقتا عقب نشانده، حدود ۶۰۰ کارگر در چند مرحله بازخرید و درواقع برای همیشه اخراج شدند و ۱۵۰ کارگر باقی مانده نیز در معرض تهدید مدام به اخراج قرار گرفتند. دستمزدهای کارگران برای ماه های طولانی پرداخت نشد. شرایط کار از هر لحاظ سخت تر شد و فشار بر سطح مزدها و معیشت کارگران از همه سو تشدید گردید. روند فوق ناگزیر با اعتراض و خشم کارگران روبه رو شد، به گونه ای که در سال های اخیر بارها شاهد وقوع اعتصاب ها، تحصن ها، راه پیمایی ها و اشکال دیگر مبارزات آنان بودیم. این اعتراض ها تا امروز به هیچ نتیجه ای منتهی نشده است و سرمایه داران همه نقشه های ضدکارگری و جنایتکارانه خویش از جمله اخراج آخرین بخش کارگران را عملی کرده اند. اکنون آخرین دسته کارگران در اعتراض به اخراج خود در محل کارخانه متحصن شده اند.

نکته اساسی درمورد روند جاری مبارزات کارگران نساجی کردستان بن بست فرساینده ای است که در شیوه پیشبرد این مبارزات وجود دارد، همان بن بست یا گره کوری که امروز بخش عظیمی از کل جنبش کارگری ایران و حتی کل جنبش کارگری بین المللی در پشت آن زمینگیر شده است. شناخت این بن بست برای طبقه کارگر جهانی و از جمله جنبش کارگری روز ایران یک ضرورت اساسی و حیاتی است. کارگر نساجی کردستان و کارگران همه جای ایران و جهان باید بدانند که دوران عقب نشینی سرمایه جهانی در مقابل رفرمیسم کارگری، حرکت های پراکنده تدافعی کارگران و هر گونه مبارزه خارج از مدار تعرض قدرتمند و مستقیم طبقه کارگر به شیرازه حیات نظام سرمایه داری برای همیشه به پایان رسیده است. آنان که این حقیقت را از کارگران پنهان می کنند مستقل از این که بدانند یا ندانند خاک به چشم بردگان مزدی سرمایه می پاشند و با این کار خود عملاً در سلاخی معیشت و مبارزات کارگران توسط سرمایه داران و دولت آن ها شریک می شوند. توده وسیع کارگری هم که این حقیقت را درک نکند و همچنان به امکان مستمر فروش نیروی کار و ادامه زندگی به عنوان برده مزدی توهم داشته باشد، بی تردید در لای چرخ چالش و ستیز قهری میان سرمایه و کار نابود خواهد شد. ما در روزگار سراسر توحشی زندگی می کنیم که فشار لحظه به لحظه بر سطح معیشت ما، بیکارسازی های میلیونی و چند صد میلیونی توده های طبقه ما، سوزندان میلیون ها همزنجیر ما در

چهار گوشه جهان در شعله های آتش جنگ، پرتاب میلیون میلیون کودکان خردسال و گرسنه ما به حاشیه خیابان ها، اجبار زنان طبقه مان به تن فروشی برای یک لقمه نان کوفتی فرزندانمان، فرار و مهاجرت میلیون میلیون برده مزدی از خانه و دیار خویش و نابودی بسیاری از آنان در جریان همین مهاجرت قهری و اجباری و فراوان جنایت ها و درندگی های دیگر از این دست علیه توده های کارگر داغ لعنت خورده جهان به شرایط الزامی و حیاتی دوام و بقای سرمایه داری تبدیل شده است. ما در دوران سرتا پا ظلم و ستمی زندگی می کنیم که سرمایه داری بیشتر از هر دوره ای در تاریخ سراسر چرک و خون و کثافت اش تحمیل حداکثر تشدید استثمار و تمامی اشکال بربرمنشی و درنده خوئی را بر ما کارگران در دستورکار خود گذاشته است. سرمایه جهانی در همان حال با بهره گیری از دستاوردهای چند قرن سرکوب نظامی مبارزات ما و با استفاده از عوارض وخیم ضرباتی که رفرمیسم اتحادیه ای و رویکردهای فرقه ای آویزان به اردوگاه شوروی سابق یا قطب دولتی سرمایه داری در طول یک قرن بر مبارزه طبقاتی ما وارد ساخته اند، آری به یمن همه این ها، از موقعیت مناسبی برای پیشبرد نقشه های شوم بشرستیزانه خود علیه جنبش روز ما برخوردار است. در چنین شرایطی مثل روز روشن است که ما با مبارزات پراکنده درون این یا آن کارخانه در حال تعطیل، با راه بندان های این یا آن جاده هیچ مطالبه ای را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل نخواهیم کرد. وقت آن است که بن بست مرگبار و شکست آفرین سر راه جنبش خویش را درهم شکنیم. ما بدون اعمال قدرت متحد طبقاتی و سراسری علیه سرمایه هیچ راهی برای ادامه زندگی در پیش روی خود نداریم. این یک جنگ مرگ و زندگی است. بن بست مهلک و شکست آفرین جنبش ما همانا دل بستن به کارایی شیوه های تا کنونی مبارزات روز است. همه چیز و تمامی تجارب ۳۰ سال اخیر پیکارهای ما از زمین و آسمان فریاد می زند که باید ریل مبارزه خود را عوض کنیم. تلاش برای ایجاد تشکل سراسری ضد سرمایه داری حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر و اتخاذ راهکارهای موثر و کارآمد برای اعمال قدرت متحد طبقاتی علیه سرمایه تنها راه غلبه بر بن بست موجود و هموارسازی راه تداوم مبارزه طبقاتی علیه نظام بردگی مزدی است. تنها در این مسیر است که ما می توانیم مطالبات روز خود را بر نظام سرمایه داری تحمیل کنیم. باید این حقیقت تلخ را باور کنیم که ما تا امروز از نقش آفرینی تاریخی قدرت عظیم طبقه خود به کلی غافل مانده ایم. یک قرن تمام با ناآگاهی و بی افقی به دنبال جنبش های دیگر راه افتاده ایم و در اسارت راه های رنگارنگ اپوزیسیون های مختلف طبقه سرمایه دار از راست تا چپ گرفتار آمده ایم. جنبش ما به تسمه نقاله ابراز قدرت این حزب و آن جبهه سرمایه داران تبدیل شده است. پیشمرگ جنبش های ناسیونالیستی و خلقی شده ایم. به همه راه ها کشیده شده ایم و در رکاب هر حزب و گروه و دار و دسته ای جنگیده ایم اما به نیروی عظیم و لایزال طبقه خود اتکا نکرده ایم. مطالبات واقعی ضد سرمایه داری طبقه خود را پرچم مبارزات خویش نساخته ایم. افق واقعی لغو کارمزدی را پیش روی خود قرار نداده ایم. در سنگر توفنده ضد سرمایه داری متحد و متشکل نشده ایم. جنبش ما نمی تواند به راه گذشته خود ادامه دهد. این راه به بن بست برخورده و ادامه آن دیگر ممکن نیست. ما در پشت یک بن بست بسیار سنگین و سهمگین گیر کرده ایم. این بن بست را باید با سلاح قدرت طبقه خود در هم بشکنیم. آنچه امروز سد راه پیشروی و موفقیت مبارزات ما در کارخانه نساجی کردستان، شاهو، پرریس، نیشکرهفت تپه، لاستیک البرز، صدرای بوشهر، لوله سازی خوزستان، تمامی کارخانه های قند و شکر، تمامی نساجی ها، تمامی واحدهای صنایع فلزی، همه لباس دوزی ها و در یک کلام کل مراکز خرید و فروش نیروی کار است همین بن بست است. بن بست است که در طول سالیان دراز در وهله

نخست توسط دولت سرمایه داری و در وهله های بعد توسط رفرمیسم سندیکالیستی و احزاب فرقه ای بر سر راه جنبش ما قرار داده شده است. بن بستى که امروز هم هر کجا می خواهیم علیه سرمایه مبارزه کنیم فوری از یک طرف توسط دولت سرمایه و از طرف دیگر از سوی همان جریان های کارگر نما و اپوزیسیون باز در مقابل مبارزه ما قرار داده می شود. اولی ما را سرکوب می کند و دومی نسخه سندیکاسازی را پیش رویمان پهن می نماید. مبارزات ما باید بر این سرکوب ها و سد سازی ها و کجراه پردازی ها غلبه کند. روی این حرف ها لحظه ای درنگ کنیم. دقایقی به پیرامون خویش نظر اندازیم. از تهران تا اهواز، از بوشهر تا رشت، از کرمان تا قزوین، از بجنورد تا سمنان و از مشرق و شمال تا مغرب و جنوب توده های همزنجیر ما در حال جدال علیه سرمایه اند. چند میلیون کارگر برای دریافت حقوق معوقه خویش، برای جلوگیری از اخراج و ادامه امکان فروش نیروی کار خود، برای دفع تعرض وحشیانه سرمایه به سطح معیشت محقر و رقت بار خود با سرمایه مبارزه می کنند. نیروی سرکوب سرمایه در همه جا به ما یورش می برد و جنبش ما را تار و مار می کند. همه ما برای خواسته های یکسانی مبارزه می کنیم و همه گردان های مبارز طبقه ما توسط نیروهای نظام مسلط موجود درهم کوبیده می شود. همه جا سرمایه است که ما را استثمار می کند و به خاطر تشدید استثمار هرچه وحشیانه تر ما تمامی سیه روزی های موجود از تعویق حقوق تا اخراج و بیکارسازی های گسترده و مانند این ها را بر ما تحمیل می کند. آیا همه این ها با صدای بلند به ما نمی گوید که توده های طبقه ما جز اتحاد و سازمانیابی سراسری ضد سرمایه داری هیچ سلاح دیگری برای دستیابی به خواسته های خود ندارند؟ این وضعیت و این ضرورت اساسی و مبرم باید توسط اتحاد طبقه ما درک شود. باید برای تحقق این الزامات حیاتی جنبش خود دست به کار شویم. نگاه خود را از حصار تنگ کارخانه ها به کل جامعه سرمایه داری و از قدرت بسیار محدود چند نفری یا چند صد نفری محیط کار به قدرت عظیم چند ده میلیونی طبقه خود در سراسر ایران و چند میلیاردی خود در جهان معطوف سازیم. از بطن شرایط کار و مبارزه جاری روز خود در کارخانه شروع کنیم و به سراغ همسرنوشتان و همزنجیران خود در سراسر ایران برویم. منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را سنگ بنای اتحاد و سازمانیابی ضد سرمایه داری خود کنیم. با اتکا به قدرت متحد جمعی خود تدارک لازم برای تصرف کارخانه های در حال تعطیل از جمله کارخانه های نساجی کردستان، شاهو، پرریس و صدها کارخانه بزرگ و متوسط و کوچک در سراسر جامعه را در دستور کار خود گذاریم. سندیکاسازی و تمامی راه حل های دیگر رفرمیستی شکست آفرین و محصول کار گروه های متوهم به معجزه گری سرمایه را به زباله دانی ها ببندازیم. از این رهگذر و با انجام این کارها قدرت واقعی پیکار طبقه خویش را به میدان کشیم. ما برای مبارزه به قدرت احتیاج داریم. بدون قدرت هیچ کاری نمی توانیم و محکوم به شکست هستیم. قدرت ما نیز فقط در اتحاد و تشکل **ضد سرمایه داری** ماست. این نکته بسیار مهم را آویزه گوش و هوش خود سازیم. قرنی است که به ما دروغ گفته اند. همه اش در گوش ما خوانده اند که گویا قدرت ما فقط در تشکل و اتحاد است!! چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!! این حرف نیز دقیقاً مصداق همان ضرب المثل معروف است که می گوید « نصف حقیقت بزرگ ترین دروغ است». بدیهی است که قدرت ما باید متحد و متشکل شود. اما هر نوع اتحاد و تشکل به هیچ وجه بیانگر قدرت طبقه ما نیست. جنبش کارگری یک جنبش ضد سرمایه داری است و قدرت ما تنها در اتحاد و سازمانیابی سراسری علیه سرمایه است که به طور واقعی وارد میدان می شود. ضد سرمایه داری بودن برای جنبش ما معنا دارد و تلاش رفرمیست های عوام فریب سندیکاباز برای وارونه ساختن آن تلاشی بسیار عبث و

مذبوحانه است. ضد سرمایه داری یعنی این که به شیرازه حیات سرمایه حمله کنیم. مطالبات ما و نوع سازمانیابی ما باید به طور واقعی و زمینی تجلی این سرمایه ستیزی باشد. سرمایه ستیزی دین و آئین یا مرام و مسلک حزبی نیست. یک جنبش واقعی مادی و زمینی و طبقاتی است. منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر پرچم اتحاد ضد سرمایه داری توده های کارگر ایران در شرایط کنونی است. بیایید حول این منشور به صورت شورایی متشکل شویم. قدرت طبقه خود را به میدان آوریم. با سرمایه مبارزه کنیم. مطالبات خود را با اتکا به این قدرت بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنیم. گام به گام قدرت خود را باور کنیم و به خودآگاهی برسیم. به اتکای قدرت شوراهایمان مراکز کار و تولید را از دست سرمایه داران و دولت آن ها خارج سازیم. بیایید لکوموتیو مبارزات روز خود را روی این ریل بچرخانیم. نظام سرمایه داری را سنگر به سنگر به چالش بکشیم. قدرت سیاسی را به دست آوریم و نقش تاریخی خود را به عنوان گورکنان سرمایه داری ایفا کنیم. یک چیز بسیار روشن است: ما هیچ راه دیگری نداریم. هر چه دیگران می گویند آزمایش خود را پس داده و حاصل آن همین وضع فلاکت بار و دردناکی است که تحمل می کنیم. زمان غلت خوردن در ورطه آن راه حل ها به سر رسیده است. وقت پیکار ضد سرمایه داری، سازمانیابی سراسری شورایی حول مطالبات پایه ای طبقه کارگر و تصرف کارخانه های در حال تعطیل است.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳ شهریور ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com